

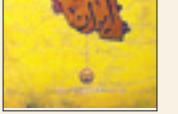
## پیش‌خوان

### به بهانه انتشار «چکیده و متن سالنامه‌های ایران»

### دفترهایی

### به مثابه «آیینه تاریخ»

■ **محمدرضا کائینی**



امروز برخلاف همیشه در این ستون، از یک اثر دیجیتالی تاریخی سخن می‌رود که هر چند کاغذی و چاپی نیست، اما در عداد اسناد شاخص تاریخ معاصر ایران به شمار می‌رود. آنچه معرفی می‌شود، لوح فشرده‌ای است که ۲۰ سالنامه تاریخی را در خویش جای داده و به‌واقع، گزارشی است دست اول از یک دوره شاخص از حکمرانی و سیاست‌ورزی در این بوم بر. مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران ناشر این اثر، در معرفی محتوای این لوح فشرده چنین آورده است: «لوح نرم‌افزاری حاضر، ۲۰ سالنامه نخستین تاریخ مطبوعات ایران در عصر ناصرالدین شاه (در فاصله سال‌های ۱۲۹۰ تا ۱۳۱۳ق) را شامل می‌شود. محتوای این مجموعه نرم‌افزاری، توسط انتشارات مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران در دو مجلد فطور (۱۳۳۸ صفحه‌ای) و به قیمت ۳۰ هزار تومان به چاپ رسیده‌است، اما مزیت نرم‌افزار علاوه بر قیمت ارزان، قابلیت جست‌وجوی آن در عنوان، چکیده و نمایه این مجموعه عظیم می‌باشد. نخستین سالنامه چاپی ایران در سال ۱۲۹۰ هجری قمری - به تقلید از روالی که سایر ممالک جهان در تهیه و تنظیم سالنامه و ارائه آن به دیگر نقاط جهان از جمله ایران می‌پیمودند- به دستور ناصرالدین شاه و به مدیریت محمدحسن خان صنیع‌الدوله (رئیس اداره روزنامه‌جات، دارالطباعه و دارالتجرمه دولتی و مترجم ناصرالدین شاه) منتشر شد. این سالنامه‌ها در رابطه با کشور، دربردارنده اطلاعات مهمی از وضعیت حکام و طبقات مختلف و نیز وقایع و اتفاقات شاخص بود. به همین دلیل ناصرالدین شاه از صدراعظم خود میرزا حسن خان سپهسالار، خواست که چنین



■ **برای نخستین بار به دستور ناصرالدین شاه قاجار، سالنامه تدوین شد!**

سالنامه‌های در ایران نیز تهیه شود. مجموعه نرم‌افزاری پیش‌رو تحت‌عنوان «چکیده و متن کامل سالنامه‌های ایران» به ارائه متن کامل و نمایه ۲۰ سالنامه از نخستین سالنامه‌های تاریخ مطبوعات دولتی کشور، در طول دوره‌های ۲۲ ساله از حاکمیت ناصرالدین شاه قاجار پرداخته است (سال‌های ۱۲۹۰-۱۳۱۲ق). قابل ذکر است که از سال ۱۲۹۲، یعنی از شماره سوم به بعد، این سالنامه‌ها به ضمیمه کتاب‌های منتشر شده توسط دارالطباعه انتشار یافته‌اند و مانند دو شماره نخستین، به‌صورت مستقل به چاپ نرسیده‌اند و همچنین در بعضی از سال‌ها (۱۲۹۲ و ۱۳۰۲) سالنامه منتشر نشده است! محمدحسن خان صنیع‌الدوله (ملقب به اعتمادالسلطنه) برای تنظیم سالنامه‌ها، همه ساله از دوایر دولتی می‌خواست که اسامی افراد خود را با ذکر منصب هر یک، بنویسند و بفرستند. آثار درج راجع به کشورهای دیگر را نیز، خود اعتمادالسلطنه با دستیاری فروغی تهیه می‌کرده است. برای آشنایی با موارد ارائه شده در این سالنامه‌ها، به بخشی از مهم‌ترین مندرجات موجود در شماره نخست این سالنامه‌ها (به تاریخ ۱۲۹۰) در ذیل اشاره خواهیم داشت:

تقویم سال/ تواریخ مهم جهان (سال به سال) / اختراعات مهم سال به سال / اسامی سلاطین قاجار/ اداره سلطنت عظمی‌الدوله وزارت داخله/ دارالطباعه و دارالتجرمه خاصه همایونی/ اسامی اعیان و اشراف و طبقات نوکر اسامی علما و اعیان و اداره حکومتی و ولایات ممالک محروسه ایران/ اروپا، آسیا، آفریقا و... /مسئکوکات طلای ملل مختلفه /وزارت علوم و عدلیه اعظم/ اداره خاصه صدارت عظمی /جمعیت شهرهای معتبر ایران/ اداره دفتر محاسبات و از این قبیل»



■ **انوشه میر عمرشی**
بانو «منیره گرچی» استاد حوزه و قرآن پژوه معاصر، تنها زن مجلس خبرگان قانون اساسی بود که در جریان تصویب اصلی ترین سند نظام جمهوری اسلامی و به ویژه قوانین مربوط به زنان و خانواده، نقش مهمی را ایفا کرد. سوگمندانۀ وی، برای بسیاری از مردم ایران شناخته شده نیست! حتی پدر تز آن، اینکه نام او در بسیاری از دانشنامه‌ها و دایره‌المعارف‌هایی که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی منتشر شده، برده نشده و مدخلی به نامش وجود ندارد! به همین دلیل و در این مقال، سعی کردم ضمن مروری بر زندگی و نقش آفرینی او در مبارزات دوران انقلاب و در جریان تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی، کارنامه او را مورد بازخوانی قرار دهم. امید آنکه مقبول آید!

■ **در تکاپوی اندوختن**
منیره علی (معروف به گرچی) از سال ۱۳۰۸ تا در خیابان عین‌الدوله تهران به دنیا آمد. پدرش محمداقا در زمین‌های سرخ‌حصار (شرق تهران)، به کار کشاورزی مشغول بود. او هشت خواهر و برادر داشت. از دوران دبستان، به مباحث قرآنی به ویژه تفسیر آیات علاقه پیدا کرد. به دلیل همین علاقه، با پشتکار فردی شروع به یادگیری قرآن و بعدها دروس حوزوی کرد. در سن ۱۵ سالگی با مردی کفاش و مذهبی - که اجداد گرجستانی داشت- ازدواج کرد. او بعد از ازدواج هم، تحصیل علوم قرآنی را به شکل فردی ادامه داد، درحالی‌که در آن سال‌ها، هم به امور منزل و بچه‌داری می‌رسید (خداوند به ایشان سه فرزند دختر داده بود) و هم با سعی بلوغ، به کسب علم می‌پرداخت. ایشان از دهه ۳۰ شمسی، تدریس قرآن، احکام و علوم دینی را به بانوان در محل زندگی خود، واقع در خیابان «زاله» آن زمان و خیابان «شهدایی» فعلی آغاز کرد. برگزاری جلسات برای بانوان در قالب جلسات تفسیر قرآن و برگزاری کلاس احکام و مسائل اعتقادی.

■ **باید این روحیه بماند!**

بعد از چندی جلسات اعتقادی و قرآنی بانو گرچی، شکل سیاسی به خود گرفت. تا جایی که مجالس



**بانو گرچی پس از پایان دوره مجلس خبرگان قانون اساسی، غیر از چند مسئولیت کوچک در امور بانوان، به کل از فعالیت سیاسی دست کشید و به تلاش‌های علمی و دینی خود بازگشت. گرچه ایشان به تأسیس اولین سازمان غیردولتی در حوزه تخصصی زنان با عنوان «هؤسسه مطالعات و تحقیقات زنان» اقدام کرد، اما در گمنامی سال‌ها به تدریس تفسیر، فقه، احکام و اخلاق پرداخت**



■ **پس از انتخاب بانو گرچی به عضویت مجلس خبرگان قانون اساسی، هجمه لیبرال‌ها و مارکسیست‌ها -که به اسلام اعتقادی نداشتند- به وی و مواضع اسلامی‌اش آغاز شد. بیشتر این هجمه‌ها نیز، از طریق نویسندگان ضدانقلاب و روزنامه‌ها و مجلات وابسته به آنان انجام می‌گرفت، اما اولین بلوای مطبوعاتی از این دست، با درج تحریف آمیز سخنان خانم گرچی درباره حقوق زن در قانون اساسی، در روزنامه اطلاعات، مورخ ۵ شهریور ۵۸ کلید خورد! تحریفی که باعث عکس‌العمل خانم گرچی شد...**

**یادکردی از بانو منیره گرچی، تنها نماینده زن مجلس خبرگان قانون اساسی**

# به اندازه ۵۰۰ سال رنج کشیدم!

عظ و خطابه ایشان در سال‌های ۵۷- ۵۶، در شهر تهران معروف شد و زنان و از طریق آنها بقیه اعضای خانواده آماده مبارزه می شدند. حتی شهید معروفی چون شهید محبوبه دانش آشتیانی- که در تظاهرات ۱۷ شهریور ۵۷ در میدان زاله به شهادت رسید -از شاگردان این بانو بوده است. بانو گرچی فرزند انقلاب اسلامی در سال ۵۷، فعالیت‌ها و مبارزات ایشان هم گسترش پیدا کرد. بانو گرچی در پرواز، در دوران پرالتهاب تعریف می کند که «هفته‌ای که قرار بود حضرت امام به ایران بیایند، یک روز چهارشنبه قرار بود بچه‌های نیروی هوایی، پروازی را انجام دهند و به پاریس بروند و امام را بیاورند. ما شنبه اجتماعمان آنجا بود. خدا رحمت کند آقای طالقانی هم بودند. یک نفر از بین بچه‌ها، حرف‌هایش را زد و گفت ما فردا پرواز می‌کنیم و ممکن است ما را در حین پرواز بزنند و دوست داریم روی زمین فرود، در حضور ملت باشد. این حرف تأثیر عجیبی روی افراد گذاشت. ما صبح زود به فرودگاه رفتیم که پرواز این بچه‌ها را شاهد باشیم. با مشکلات زیادی توانستیم به محیط پرواز برویم. پرواز را نگذاشتند انجام شود و ظاهراً بچه‌ها را هم گرفتند. من آن روز با دختر بزرگم رفته بودم. به ما فرمان دادند که تا شماره سه را می‌شماریم، باید اینجا را ترک کنید، وگرنه شلیک می‌کنیم! پرواز برف می‌آمد، ما همه روی زمین نشستیم و قرار بود بنشینیم تا تکلیف معلوم شود، چیزی مثل تخمن. نکته‌ای که برام خیلی عجیب بود، وقتی که گفتند ما تا سه را می‌شماریم، دختر من پشت سر من نشسته بود. من سعی کردم بروم و پشت سر دخترم بنشینم، چون سربازها پشت سر ما قرار داشتند، به صورتی که من در اولین ردیف بودم. دخترم با خشمی گفت مادر! هر کسی در نوبت خودش البته تیراندازی نکردند و آقای طالقانی این ما خواش کردند و گفتند من به شما می‌گویم بلند شوید. این خاطره هیچ وقت یادم نمی‌رفت، آن خشمی که دخترم داشت که اگر قرار است من اول تیر بخورم، تو حق نداری جای من را بگیری! این برای من خیلی عجیب بود. باید این روحیه بماند.»

■ **دعوت از سوی زنان روشنفکر برای عضویت در مجلس خبرگان قانون اساسی**

قبل از پیروزی انقلاب اسلامی و در زمانی که امام

## تاریخ

کفت و کرم ۸۸۴۹۸۴۲۷

از طرفی مطالعات قرآنی‌ام باعث شد که برای کاندیداتوری مجلس خبرگان قانون اساسی، از سوی زنان روشنفکر دعوت شوم.»

■ **من مطمئن هستم که در این مجلس، گناه نمی‌کنم!**

در جریان انتخابات مجلس خبرگان قانون اساسی، تعدادی زیادی از بانوان از طیف‌های گوناگون سیاسی و حزبی، برای راه یافتن به این مجلس کاندیدا شدند. زنانی با گرایش ملی- مذهبی، توده‌ای، مجاهدین خلقی، فدائیان خلق و... از میان بانوانی که با گرایش اسلامی کاندیدا شده بودند، می‌توان به اعظم طالقانی، زهرا رهنورد، طاهره صفارزاده و منیره گرچی اشاره کرد، ولی در نهایت به دلیل حمایت ویژه‌ای که حزب جمهوری اسلامی از خانم منیره گرچی کرده، وی توانست به‌عنوان تنها بانوی نماینده و با کسب ۶۵۶۲ رأی، از طرف مردم تهران به مجلس خبرگان قانون اساسی راه پیدا کند.

از ابتدای ورود خانم گرچی به مجلس خبرگان تدوین قانون اساسی، ایشان اهمّی‌امی ویژه درباره قوانین مربوط به خانواده و حقوق زنان داشت. همین سخنرانی‌های زیادی در مراکز دانشگاهی و سیاسی درباره حقوق زن در اسلام و حقوق زنان در مکتب تشیع داشت و در ضمن سخنانش نیز، مراحل و چگونگی تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی را برای مستمعان شرح می‌داد که خبر آن در روزنامه‌های آن زمان منعکس می‌شد. اینگونه فعالیت‌های ایشان اما، مورد اعتراض دو گروه قرار می‌گرفت یک گروه که مخالفان جمهوری اسلامی بودند و گروه دیگر متحجرین! بانو گرچی درباره اعتراض متحجرین و رنجی که از ناحیه سخنان آنها کشیده، می‌گوید: «در جلسه اول مجلس خبرگان، یکی از نمایندگان که اهل شیراز بود، بلند شد و گفت: این مجلس، مجلس گناه است! یک زن و ۷۰ مرد؟! شما نمی‌توانید معنی این حرف را بفهمید! من پشت بلندگو رفتم و گفتم من مطمئن هستم گناه نمی‌کنم، هر کس فکر می‌کند گناه می‌کند و مجلس، مجلس گناه است، تشریف ببرد بیرون. مجلس، مجلس شناخت انسان است. آن شخص رفت... بعد از این جواب من، حرفی از این موضوع دیگر هیچ‌جا زده نشد. واقعاً برایشان غیرقابل تصور بود! من، نه دختر کسی بودم و نه همسر شخصیتی، بلکه یک آدم معمولی بودم. دوره مجلس خبرگان قانون اساسی، خیلی کوتاه بود، اما من به اندازه ۵۰۰ سال، در این مجلس رنج کشیدم! کار خیلی سختی بود، با اینکه چهره‌های خیلی خوبی در آن مجلس بودند. همیشه فکر می‌کنم صحنه‌ای که آبتالها طالقانی روی زمین نشسته بودند، هیچ‌وقت در تاریخ فراموش نمی‌شود، بالاخره این افراد که گواهی ما بودند.»

■ **مقایسه بانو گرچی با سکولارها و مارکسیست‌ها**

با حمایت علمای روشن ضمیری چون شهیدآیتالله بهشتی، شهیدآبتال‌الله صوفی، آبتال‌الله طالقانی و عالم‌انی از اهل طیف، دیگر مخالفان نتوانستند موضعی علیه بانو گرچی بگیرند، اما از سوی دیگر، هجمه لیبرال‌ها و مارکسیست‌ها - که به اسلام اعتقادی نداشتند - به ایشان و مواضع اسلامی‌شان آغاز شد. بیشتر این هجمه هم، از طریق نویسندگان ضدانقلاب و روزنامه‌ها و مجلات وابسته به آنان انجام می‌گرفت، اما اولین بلوای مطبوعاتی از این دست، با درج تحریف آمیز سخنان خانم گرچی درباره حقوق زن در قانون اساسی، در روزنامه اطلاعات، مورخ ۵ شهریور ۵۸ (شماره ۱۵۹۲۹) در صفحه ۵ کلید خورد! تحریفی که باعث عکس‌العمل خانم گرچی شد. ایشان در نامه‌ای با عنوان «چرا حقایق را به این سادگی تحریف می‌کنید؟» خطاب به سردبیر روزنامه اطلاعات آورد: «آنچه نویسنده آن روزنامه به‌عنوان تیتیر انتخاب کرده اما کرده‌اند که گویا بنده در مجلس بررسی قانون اساسی اظهار داشته‌ام به‌خدا قسم شرمم می‌آید از حقوق زن حرف بزنم! بنده تنها در هیچ جای سخنرانی من، این عبارت وجود ندارد، بلکه با محتوای سخنرانی من، مغفات دارم... گردانندگان روزنامه شما در قلب واقعیات، متحجرند و تا آنجا پیش می‌روند که دقیقاً عکس مطالبی که در متن سخنرانی قید شده است، می‌نویسند...!»

چند ماه بعد اما و در مقطع بررسی مسئله قوانین مربوط به حقوق زن در خانواده و به ویژه بحث طلاق، شایعاتی درباره تزییع حقوق زنان در قانون اساسی، از سوی برخی مطبوعات منتشر

شد که عکس‌العمل جمعی از زنان را، علیه مجلس خبرگان به دنبال داشت. از آنجا نیز که بانو گرچی در مواضع خود در مجلس خبرگان، برای تصویب قوانین مربوط به زنان و خانواده و طلاق، با تکیه بر آیات و روایات سخن می‌گفت، نوک پیکان حملات کمینیسست‌ها (با گرایش مارکسیستی و لیبرالیستی) به سوی ایشان بود. به‌گونه‌ای که در عصر روز شنبه ۸ آبان ۵۸، تظاهراتی به وسیله اتحادیه انقلابی زنان - با گرایشات چپ- در پارک دانشجوی تهران سازماندهی شد که در آن، تظاهرکنندگان شعارهایی مبنی بر «منیره گرچی منتخب زنان نیست، تحمیل ارتجاع است» و یا «جنگیدم، خون دادیم، اما هنوز در بندیم» می‌دادند. البته درست در همان روز و در قسمت دیگر پارک، تظاهراتی از سوی انقلابیون بر پا شده بود که تظاهرکنندگان فریاد می‌زدند: «بی‌بندوبار

بانو منیره گرچی در حاشیه مراسم تحویل از خوشتران، نمایش‌های کتابخانه ملی جمهوری اسلامی



## ۹ جوان

دیروز - مبارزان امروز» و یا «کردستان تمام شد - توطئه‌ها شروع شد» که در نهایت، کار این دو گروه به زد و خورد و درگیری انجامید.

■ **پاسخ امام (ره) و پایان بلوا!**

در واقع می‌توان گفت از آنجا‌که بانو گرچی براساس مبانی اسلامی درباره مسائل خانواده و از جمله مسئله «طلاق»، در مجلس خبرگان قانون اساسی سخنرانی می‌کرد، بیش از بقیه علما و از سوی روشنفکران مورد حمله قرار می‌گرفت. حملاتی که در اصل علیه خود اسلام بود، ولی بهانه‌ای به نام مواضع بانو گرچی داشت. امام خمینی(ره) بعد از وقوع آن تظاهرات و برخوردها، در سخنرانی خود در تاریخ ۹ آبان ۵۸ و در دیدار خانواده شهدای ۱۵ خرداد ۴۲، به موضوع قوانین در حال تصویب مربوط به طلاق اشاره کردند و فرمودند: «من امیدوارم که این قشرهای مختلفی که هست، همه توجه داشته باشند که این توطئه‌هایی که الان در بین هست با توجه خودشان خنثی کنند. شما دیدید و خانم‌های به قول خودشان روشنفکر دیدند، که یک دروغی در تهران منتشر کردند و این خانم‌ها بدون اینکه رسیدگی کنند، می‌خواستند به خیابان‌ها بیروند. در صورتی‌که اصلاً یک چنین قانونی که آنها خیال می‌کردند، مطرح نبود. مع‌ذلک، مع‌الأساف این روشنفکرها معلوم شد که اینقدر بی‌توجه به مسائل روز هستند و به مسائلی که مربوط به سرنوشتشان است که مطالبی که در رادیو - تلویزیون، در مطبوعات منتشر شده است، اینها نگاه نکردند و فقط به نوشته بعض اشخاص مُفسد نگاه کردند... این معنا از آن قبلاًسوال شده بود و جواب دادم که طلاق در صورتی‌که شرط شود در ضمن عقد با مسرد، وقتی که می‌خواهند عقد کنند، شرط بکنند و در ضمن عقد این شرط شود که وکیل باشد! زن ادر طلاق خودش، با مطلقاً، با در شرایطی یک سؤالی پیش آورده است و آن اینکه این‌زن‌هایی که حالا تحت زوجیت هستند چه؟ این ولایت فقیه را اینها مخالفت می‌کنند، در صورتی که نمی‌دانند از شئون فقیه است که چنانچه یک مردی پازن خودش رفتارش بد و ناسالم باشد، او را اولاً نصیحت کند و ثانیاً تأدیب کند و اگر دید نمی‌شود، اجرای طلاق کند.»

این سخنان امام در روزهای بعد، در مطبوعات منعکس شد و حتی روزنامه کیهان، در شماره ۱۰۸۴۶ خود (مورخ ۱۲ آبان ۵۸، ص ۹) به شکل مسبوط، به این موضوع و سخنان امام پرداخت و به این شکل، بلوای تصویب قوانین مربوط به حقوق زن در قانون اساسی جمهوری اسلامی هم تمام شد. از سوی دیگر و بدین ترتیب، حمله مطبوعات ضدانقلاب به بانو گرچی کمتر شد.

■ **نماینده زن و تعریف رجل در قانون اساسی**

با وجود مخالفت ضدانقلاب با دیدگاه‌های اسلامی بانو گرچی، ایشان بدون توجه به هجمه‌ها به، بیان نظرات خود می‌پرداخت. یکی از موضوعاتی که ایشان تلاش فراوان کرد تا حق زنان در آن دیده شود، تعریف «رجل» برای کاندیداتوری انتخابات ریاست جمهوری بود. بانو گرچی معتقد بود که زنان هم با استناد به آیات قرآن و هم براساس توانمندی‌هایی که خداوند جمهوری شون، ایشان در باره ر اینها هایش برای احقاق حق بانوان در این موضوع، می‌گوید: «شنبه صبحی، عنوان رجل در مجلس بحث شد. پنج‌شنبه قبیلش، من خدمت امام رفتم و گفتم این درسته نیست نباید اینطور باشد و تذکری بدیدیم، زیرا منظور همه افراد است و زن و مرد ندارد. امام گفتند: شما خودتان زن هستید و فکر کنید چه باید بگویید. در عین حال گفتند: چرا زودتر اصل ولایت فقیه را تصویب نمی‌کنید؟»

گرچه در آن مقطع نظر بانوگرچی اعمال نشد، اما سال‌ها بعد و با تصویب نمایندگان دوره یازدهم مجلس شورای اسلامی و تأیید شورای نگهبان، تعریف رجل سیاسی شامل زنان و مردان شد. فعالیت بانو گرچی در مجلس خبرگان قانون اساسی، ادامه داشت تا همه اصول و فروع آن نوشته‌شد و در نهایت بعد از انتشار تمام قوانین مصوب مجلس خبرگان قانون اساسی که شامل ۱۲ فصل و ۱۷۵ اصل و یک مقدمه و مخره می‌شد، مردم با اکثریت آراء در ۱۲ آذر ۵۸، به قانون اساسی رأی مثبت دادند. رأیی که باعث اتمام کامل همه ضدانقلاب به نمایندگان این مجلس و از جمله بانوگرچی شد.

■ **تدریس و تدریس و تدریس**

بانو گرچی پس از پایان دوره مجلس خبرگان قانون اساسی، غیر از چند مسئولیت کوچک در امور بانوان، به کل از فعالیت سیاسی دست کشید و به فعالیت علمی و دینی خود بازگشت. گرچه ایشان اقدام به تأسیس اولین سازمان غیردولتی در حوزه تخصصی زنان با عنوان «مؤسسه مطالعات و تحقیقات زنان» کرد، اما در گمنامی سال‌ها به تدریس تفسیر، فقه، احکام و اخلاق به بانوان طلبه در حوزه علمیه خدیجه کبری (س) و دانشجویان مرکز تربیت معلم شهیدرجایی پرداخت و با اهمّی‌امی که به تربیت دینی و قرآنی بانوان داشت، برای نظام جمهوری اسلامی نیروسازی کرد. شاید به همین دلیل هم است که تنها بانوی عضو مجلس خبرگان قانون اساسی، حتی برای بسیاری از دانشنامه‌ها و دایره‌المعارف‌های نگاشته‌ای در چند دهه اخیر هم، شناخته شده نیست!